

## راهکار راهبردی کنترل رشد حاشیه‌نشینی در مناطق شهری

### مطالعه موردی: شهرستان بناب

حمداالله سجاسی قیداری (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

ssojasi@um.ac.ir

فخری صادقی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

sadeghi776@gmail.com

لیلا قسمتی (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران)

gesmati324@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴

#### چکیده

سرعت رشد شهرنشینی مسایل و معضلات زیادی برای شهرها به دنبال داشته است که از جمله آن، مسأله حاشیه‌نشینی و رشد سکونتگاه‌های غیررسمی است. در این میان شهر بناب به عنوان یکی از شهرهای مهم استان آذربایجان شرقی نیز به واسطه برخورداری از پتانسیل‌های مختلف، با پدیده حاشیه‌نشینی روبه‌رو شده است، لذا یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان و مدیران شهری شهر بناب، کنترل حاشیه‌نشینی است. بر این اساس، سؤال کلیدی این است که راهبرد مناسب جهت کنترل رشد حاشیه‌نشینی در شهر بناب چگونه است؟ در این مقاله از طریق روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی با استفاده از مدل راهبردی SWOT تلاش شده است تا به ارایه راهکارهای لازم برای کنترل رشد حاشیه‌نشینی در شهر بناب، بر اساس نظرات کارشناسان به عنوان نمونه‌های مطالعه، پرداخته شود. نتایج به‌دست‌آمده در مطالعه وضع موجود، نشان‌دهنده ضرورت انتخاب راهبرد محافظه‌کارانه در مدیریت و کنترل حاشیه‌نشینی در شهر بناب، به عنوان راهبرد کانونی است، همچنین نتایج ارزیابی راهبردهای تدوین‌شده بر اساس روش QSPM نشان می‌دهد که راهبرد توجه ویژه مسؤولان در ارایه خدمات مناسب به ساکنین مناطق روستایی و ایجاد زمینه‌های شغلی و ارایه خدمات مختلف اقتصادی و ساخت مسکن مناسب برای روستاییان جهت جلوگیری از مهاجرت، با مجموع نمره جذابیت ۴/۰۲۸، دارای بالاترین اولویت به لحاظ برنامه‌ریزی برای کنترل رشد حاشیه‌نشینی در شهر بناب است.

**کلیدواژه‌ها:** برنامه‌ریزی شهری، حاشیه‌نشینی، برنامه‌ریزی راهبردی، شهر بناب

## ۱. مقدمه

## ۱.۱. طرح مسأله

حاشیه‌نشینی یک معضل جهانی است، پیدایش این مسأله اگرچه به شهرهای کشورهای صنعتی و غربی نسبت داده می‌شود؛ اما سهم عمده جمعیت حاشیه‌نشین دنیا در حال حاضر، در شهرهای کشورهای در حال توسعه وجود دارد (زنجان، ۱۳۷۱: ۵). بر اساس آمار برنامه اسکان بشری سازمان ملل (۲۰۰۳) از هر سه نفر در جهان، یک نفر در خلال ۳۰ سال آینده، زندگی خود را در مناطق حاشیه شهرها و سکونت‌گاه‌های غیرقانونی سپری می‌کند (طالشی و فخریان، ۱۳۹۰: ۸۴). حاشیه‌نشینی در ایران نیز پس از ورود و استقرار سرمایه‌داری وابسته و رشد جمعیت شهری به‌ویژه از اوایل قرن حاضر (۱۳۲۰) به وجود آمده است (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۳)؛ یعنی زمانی که گسترش تأسیسات شهری و شبکه ارتباطی و همچنین افزایش درآمد نفت موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه‌های شهری شد و از سوی دیگر، اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون دافعه روستایی را تشدید کرد (احمدیان، ۱۳۸۲: ۲۷۷). بررسی تاریخ حاشیه‌نشینی نشان می‌دهد که همواره این مناطق مرکز اصلی انحرافات، بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و بزهکاری است و این امر امنیت شهرها را تهدید می‌کند (4: 2011 Amaldam). امروزه این پدیده، مختص تهران و چند شهر بزرگ ایران نبوده است؛ بلکه اکثر شهرهای کشور به نوعی با معضل حاشیه‌نشینی و رشد سکونتگاه‌های غیررسمی مواجه هستند (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۳۵)؛ اما باید توجه داشت که کنترل حاشیه‌نشینی نیاز به برنامه‌ریزی آینده‌نگر دارد؛ زیرا برنامه‌ریزی‌های مقطعی و اقدامات ضربتی نمی‌تواند حل‌کننده مشکلات ناشی از مسأله در حال رشد حاشیه‌نشینی در شهرها باشد. در شهر بناب نیز تاکنون تلاش‌های متعدد و مختلفی در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت حاشیه‌نشینی صورت گرفته است؛ اما نکته اساسی نبود نگاه راهبردی و داشتن چشم‌انداز روشن برای

تداوم مدیریت و کنترل حاشیه‌نشینی بوده است. بر این اساس در این مطالعه سعی شده است تا از طریق برنامه‌ریزی راهبردی با کمک نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران بومی در شهر که به نوعی در ابعاد مختلف اجرایی و برنامه‌ریزی و مدیریتی شهر با پدیده حاشیه‌نشینی در ارتباط بودند، به ارایه راهبردها و راهکارهای مدیریت و کنترل حاشیه‌نشینی در شهر بناب پرداخته شود، لذا هدف از این مطالعه، شناخت عوامل تأثیرگذار در گسترش پدیده حاشیه‌نشینی در شهر بناب و ارایه راهکارهایی متناسب برای کنترل و کاهش آن از طریق مدل راهبردی است. بر این اساس، این پرسش کلیدی مطرح است که: باتوجه به نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید پدیده حاشیه‌نشینی در شهر بناب، راهبرد کانونی برای مدیریت و کنترل حاشیه‌نشینی کدام است؟

## ۲.۱. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

اولین بار اصطلاح حاشیه‌نشینی توسط رابرت پارک از بزرگان مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو، به کار برده شده است. وی در مقاله «مهاجرت بشر و انسان حاشیه‌نشین» حاشیه‌نشینی را نتیجه عملکردهای اقتصادی-سیاسی عنوان کرد (حیدری و نظریان، ۱۳۹۰: ۳۳). پس از پارک، شاگرد او ایورت استونکوئیست بسط بیشتری به نظریه حاشیه‌نشینی داد و کوشش کرد تا تصویر روشن‌تری از انسان‌هایی که در موقعیت حاشیه‌نشینی قرار می‌گیرند، ارایه دهد. وی نیز با تأکید بر جنبه‌های روانی حاشیه‌نشینی، انسان حاشیه‌نشین را شخصیتی می‌داند که در ورطه ناباوری و عدم پیوستگی کامل میان دو جامعه، دو فرهنگ یا دو نظام اجتماعی زندگی می‌کند؛ ولی نسبت به هیچ کدام احساس کامل پیوستگی عاطفی، فرهنگی یا عضویت اجتماعی ندارد (انصاری، ۱۳۵۵: ۱۶۴). مارشال کلینارد در تعریف حاشیه‌نشینی چنین می‌گوید: «حاشیه‌نشینی، خرده فرهنگی با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهاست که در محله‌هایی با بهداشت کم، انحرافات اجتماعی و ویژگی‌های

دیگر از جمله انزوای اجتماعی همراه است (147: 2009 Bican). با وجودی که حاشیه‌نشینی بیشتر با شهرهای بزرگ جهان سوم پیوند خورده است؛ ولی این مشکل تنها خاص این جوامع نیست؛ بلکه جوامع صنعتی نیز زمانی که مراحل صنعتی شدن را پشت سرگذرانده و نرخ مهاجرت روستا به شهر در سطح بالایی قرار داشتند و با مشکل حاشیه‌نشینی نیز مواجه بوده‌اند. ولی بافت این کشورها به گونه‌ای بود که مهاجران توانسته‌اند خود را به مرور زمان جذب فعالیت‌های

اقتصادی و اجتماعی شهر کنند و مشکل حاشیه‌نشینی را در این جوامع به حداقل برسانند. در عمده مطالعات، محققان و صاحب‌نظران (جدول ۱) بر این دیدگاه اجماع دارند که حاشیه‌نشینی تا حدود زیادی ریشه در مهاجرت دارد و تحت تأثیر پارامترهایی چون فقر اقتصادی، نوع شغل، تعارض فرهنگی، بی‌سوادی، هویت قومی، فرهنگی و به‌سختی قابل کنترل است و عوارض آن در قالب برخی از پیامدهای حاد مسایل شهری تجلی می‌یابد (9: Dwyer, 1987).

### جدول ۱- پیشینه مطالعات در ارتباط با حاشیه‌نشینی

مأخذ: گردآوری شده از منابع مختلف توسط نویسندگان، ۱۳۹۲

نویسنده و سال	نتایج تحقیق
آرمی بن، ۲۰۱۲	نتایج نشان می‌دهد که سطوح بالایی از نابرابری، رشد بی‌برنامه و کنترل‌نشده شهری، و ماهیت انحصاری چارچوب نظارتی حاکم بر ارایه زمین مسکونی، سبب رشد زندگی به شیوع زاغه‌ها و شهرک‌های غیرقانونی می‌شود.
آکتر، طاهر، ۲۰۱۰	این مقاله شرایط اجتماعی و اقتصادی از زاغه‌نشین و الگوی مصرف آن‌ها را به تصویر می‌کشد، و تأکید دارد که اکثر آن‌ها نمی‌توانند مواد غذایی مغذی را به علت گرانی، تأمین کنند.
ژان کلود، ۲۰۱۰	در این مقاله سعی شده است که پدیده حاشیه‌نشینی و علل آن تعریف شود و پیشنهادهایی برای پیداکردن راه‌حل‌های مناسب در جهت پاسخ‌گویی به چالش‌های ناشی از این پدیده، ارائه شود.
لما، سلیوزس و کوفر، ۲۰۰۸	در این راستا، این مقاله نشان می‌دهد که چگونه یک رویکرد مشارکتی که شامل بازیگران مختلف با دانش محلی و با استفاده از فناوری‌های اطلاعات جغرافیایی (GIT)، می‌تواند حاشیه‌نشینی را بهبود بخشد.
پوراحمد، رهنمایی، قرخلو و اسکندری نوده، ۱۳۸۹	نتایج به‌دست‌آمده، حاکی از آن است که سیاست‌های دولت در دوره‌های مختلف، نه تنها به پایداری اجتماعی، فیزیکی و کالبدی سکونت‌گاه‌های غیررسمی منجر نشده است؛ بلکه باعث محروم‌شدن بخش وسیعی از افراد کم‌درآمد از تسهیلات زمین و مسکن شهری در برنامه‌های دولت نیز شده است.
زنگی‌آبادی، مبارکی، ۱۳۹۱	حاشیه‌نشینی در شهر تبریز موجب بروز انواع ناهنجاری‌های شهری، اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل کاذب، وجود ساخت‌و-سازهای غیرمجاز، افزایش جرم و جنایت، اثرات نامطلوب فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، آلودگی محیط زیست شهری و غیره شده است.
قرخلو و میره، ۱۳۸۶	مسئولان شهری باید واقعیت وجود سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای در شهر را به عنوان یک حاکمیت اجتماعی پذیرفته و برای حل و بهبود بخشی به این مسأله، از به‌کارگیری روش‌های اجتماعی و مشارکتی غفلت نکنند. راهبرد توانمندسازی بهترین راه‌حل است.
طالشی و امیر فنخریان، ۱۳۹۰	پایداری سازمان فضایی نظام سکونت‌گاهی و به طبع آن سامان‌دهی حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی در استان خراسان رضوی در پی ایفای نقش عملکردی و ارتقای کیفی کالبدی سکونت‌گاه‌های روستایی ویژه در حریم سکونت‌گاه‌های شهری است.
لطفی و میرزایی، عدالتخواه و وزیرپور، ۱۳۸۹	با گسترش شهرها و تبدیل آن‌ها به کلان‌شهرها، لزوم کنترل وضعیت حاشیه‌نشینی و جلوگیری از گسترش آن، بیش‌ازپیش احساس می‌شود.
محمدی و روستا، ۱۳۸۷	این نوشتار ضمن تأکید بر اهمیت توسعه بر مبنای توسعه اجتماع‌محور، با ذکر نمونه‌هایی از کشورهای مختلف؛ این رویکرد را به عنوان سازوکار مؤثری در افزایش پایداری و اثربخشی اجتماعی برنامه‌های توسعه محل‌ها، در سکونت‌گاه‌های غیررسمی پیشنهاد می‌کند.

- 1- Armiah
- 2- Akter
- 3- Claude
- 4- Lemma, Sliuzas & Kuffer

سیستم فناوری در سطح جامعه توسط سیستم روابط اجتماعی حاکم تعیین می‌شود (زاهد زهدانی، ۱۳۶۹: ۲۶).

۱-۲- دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا: در دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم، بیانگر جلوه‌هایی از مجموعه ویژگی‌های متناقض هستند. این شهرها در مقایسه با دیگر مناطقی کشور از امکانات بیشتری برخوردارند و بخش اعظم منابع ثروت و قدرت را در خود جمع کرده‌اند. در عین حال انواع و اقسام فقر، نابسامانی و ناهنجاری را نیز در خود می‌پرورانند (ساعی، ۱۳۷۸: ۹۷). و همچنین در حلقه تسلط کشورهای ثروتمند نیز گرفتار شده‌اند (تودارو، ۱۳۸۲: ۸۹ - ۹۳). از طرفی هم در این گونه کشورها، غالباً قدرت سیاسی و اقتصادی با هم در آمیخته و در مناطق نسبتاً پیشرو متمرکز شده است و باعث تشدید نابرابری در سطوح ملی، ناحیه‌ای و محلی می‌شوند (مهندسین مشاور DHV، ۱۳۷۱: ۶۶). به عبارتی قطب‌های قدرت سیاسی، قطب‌های سرمایه و قدرت اقتصادی نیز هستند که محل آن بزرگ‌ترین شهر ناحیه و کشور است. از این رو انباشت سرمایه در شهر باعث جذب مهاجران از نقاط محروم به شهر می‌شود. در شهر نیز از طریق پایین‌نگه داشتن سطح دستمزدها و افزایش تصاعدی قیمت‌ها (یزدانی بروجنی، ۱۳۸۲: ۳۵۱) حلقه محرومیت را بر این قشر فاقد حامی تنگ‌تر کرده، بر شدت فقرشان می‌افزاید و آن‌ها را به اسکان غیررسمی وادار می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۰: ۴۹). نتیجه این‌که اسکان غیررسمی محصول مستقیم روابط سرمایه‌داری و شبه سرمایه‌داری است که به دلیل عدم حمایت نهادهای رسمی و قانونی از اقشار بهره‌ده آن‌ها از قافله توسعه عقب مانده یا رانده شده‌اند (شریعت زاده، ۱۳۸۲: ۲۴۵).

۲- دیدگاه‌های هدف‌گرا: دیدگاه‌های هدف‌گرا (راهبردی)، شامل مجموعه نگرش‌هایی می‌شود که بیشتر به ارایه راه حل پرداخته‌اند. طرفداران این نوع نگرش پدیده مذکور را فقط در قالب ساختاری آن در شهر، مورد بررسی قرار داده و راه حل آن

بر این اساس در رابطه با بررسی نظری حاشیه نشینی در ادبیات علمی جهان مطالعات متعددی صورت گرفته که نتیجه آن ارائه دیدگاه‌ها و رویکردهای نظری است؛ اما مجموعه نظریاتی که می‌توان پژوهش حاضر را به لحاظ طرح مسأله در قالب آن‌ها بررسی کرد، دودسته‌اند: اول نظریه‌های بنیادگرا و دوم دیدگاه‌های هدف‌گرا (راهبردی).

۱- دیدگاه‌های بنیادگرا: دارای دو دیدگاه سیستمی و اقتصاد سیاسی فضا بوده و بیشتر متوجه ریشه‌های شکل‌گیری و گسترش پدیده حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی در شهرها بوده و تأثیر ارتباط تنگاتنگ بین نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها را تبیین می‌کنند.

۱-۱- نگرش سیستمی: سیستم عبارت است از مجموع اجزای ترکیب‌دهنده اصلی و روابط بین آن‌ها (هاگت، ۱۳۷۶: ۹۸). افزایش حرکت‌ها و جریان‌های ورودی به سیستم ممکن است به تغییراتی در شکل و وسعت سیستم منجر شود که توسعه شهر و گسترش نامنظم آن نمونه روشنی از چنین جریانی است (شکویی، ۱۳۷۴: ۱۵). چرا که در نگرش سیستمی مفهوم بسیار مهمی به نام «بازخورد» وجود دارد که در واقع پویایی یا عدم پویایی دستگاه‌ها را می‌توان به آن نسبت داد (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۵۲). اگر ما ناحیه را به عنوان یک سیستم در نظر بگیریم، انواع سکونتگاه‌های شهری، روستایی و عشایری به عنوان زیرسیستم‌های آن عمل می‌کنند و جریان تبادل انرژی، ماده و کالا در این دیدگاه، مهاجرت‌های روستا-شهری است که در چهارچوب نظریه سیستمی تفسیر می‌شود (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۲۲۷). در عملکرد سیستم ناحیه‌ای، چهار عنصر اجتماع، دولت، اقتصاد و فناوری، در بروز روند مهاجرت مؤثر هستند و حاشیه نشینان شهری هم عموماً مهاجرند. پس می‌توان نتیجه گرفت که اسکان غیررسمی محصول روابط نابرابر همین عناصر در جریان عملکرد سیستم است؛ زیرا نوع

به عنوان یک ارزش اجتماعی در جامعه پذیرفته شد، همچون وسیله‌ای بسیار مهم برای رفع بسیاری از نیازهای اساسی و عمومی محلی، منطقه‌ای و ملی به کار می‌آید (آقا بخشی، ۱۳۸۲: ۴). بهسازی شهری همراه با توانمندسازی اجتماعات ضعیف، رهیافت نوینی است که به دنبال شکست و عدم موفقیت راهبردهای قبل از خود ارایه شد و راه حل مسأله فقر شهری و اسکان غیررسمی را تنها بر مهندسی فنی و تزریق منابع مالی دولتی نمی‌بیند؛ بلکه در کنار و مقدم بر این‌ها مهندسی اجتماعی با حمایت بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان موردنظر است (شیبانی و غلامی، ۱۳۹۰: ۴) (جدول ۲).

را نیز در شهر می‌بینند. این دیدگاه می‌تواند در چارچوب نگرش توانمندسازی و بهسازی مشارکتی پیگیری شود.

۱-۲- توانمندسازی و بهسازی مشارکتی: توانمندسازی راهکاری برای توزیع مناسب منابع اقتصادی و اجتماعی به صورت پایدار است که شرایطی را فراهم می‌آورد تا زندگی اقشار کم‌درآمد و فقیر با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و اولویت-بندی نیازهایشان، توسط خودشان بهبود یابد (افتخاری راد و اسکندری دو رباطی، ۱۳۸۱: ۷۷). این رویکرد تقریباً ریشه در تفکر پلورالیسم یا جمع‌گرایی دارد، از این رو درصدد است تا در ساخت جامعه هیچ گروه معین و همسو از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر دیگر گروه‌های جامعه تسلط مطلق نداشته باشد (شکویی، ۱۳۷۴: ۴۷۹). هنگامی که مشارکت مردم

#### جدول ۲- مقایسه حاشیه‌نشینی در نظریه‌ها و دیدگاه‌های مورد مطالعه

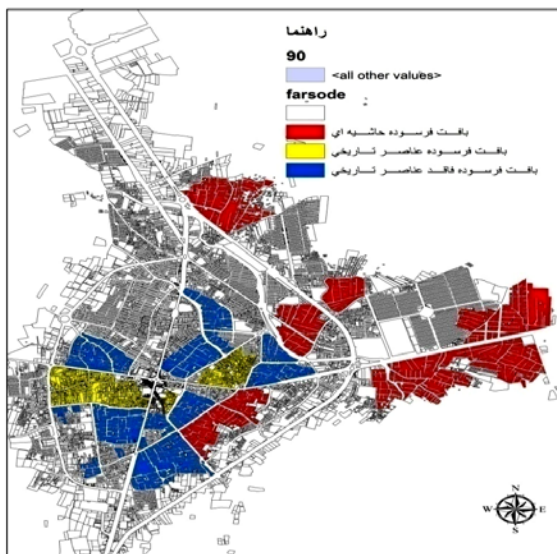
مأخذ: گردآوری شده از منابع مختلف توسط نویسندگان، ۱۳۹۲

نظریه‌ها	پدیده‌های مورد توجه	نحوه ارتباط نظریه با حاشیه‌نشینی
بنیادگرایی	کارکرد اجزای یک سیستم، روابط بین اجزا و روابط اجزا با کل، بازخورد حاصل از این روابط	این دیدگاه که به دنبال یافتن ریشه و علل حاشیه‌نشینی است اسکان غیررسمی را محصول روابط نابرابر چهار عنصر اجتماع، دولت، اقتصاد و فناوری که در جریان عملکرد سیستم دخیل هستند، می‌داند. در این دیدگاه هم عوامل و روابط اجزای داخلی سیستم و هم روابط سیستم با سیستم‌های دیگر (روابط خارجی) در به‌وجود آمدن مشکلات دخیل هستند.
اقتصاد سیاسی فضا	با تحلیلی فضایی-سیاسی سلسه‌مراتبی از سکونتگاه‌ها که دارای روابط نابرابر در عرصه ملی، منطقه‌ای و محلی هستند را به دست می‌دهد. - سرمایه‌داری یک عامل اصلی، به‌وجود-آورنده تابلربری‌های فضایی، اقتصادی و سیاسی می‌داند.	در این دیدگاه: - انباشت سرمایه در شهرهای بزرگ - طریق پایین‌نگه‌داشتن سطح دستمزدها و افزایش تصاعدی قیمت‌ها - عدم حمایت نهادهای رسمی و قانونی از اقشار بهره‌دهنده، همگی از علل و ریشه‌های حاشیه‌نشینی است. این دیدگاه بیشتر بر روابط و عوامل خارجی و بیرونی در بروز مشکلات تأکید می‌کند.
هدف‌گرا (راهبردی)	تغییر چهره مناطق حاشیه‌نشینی از طریق انطباق عناصر زندگی - کاهش نابسامانی‌های اجتماعی - نتیجه آرمانی توانمندسازی جمعی برای آزادسازی انرژی اجتماعی	این دیدگاه برخلاف دیدگاه‌های قبلی بیشتر به دنبال یافتن راه‌حلی برای حل مشکلات حاشیه‌نشینی است و از این-رو، حمایت بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان را برای غلبه بر مشکلات اسکان غیر رسمی مد نظر قرار می‌دهد.

موضوع تحقیق، به عنوان نمونه آماری تهیه و تکمیل شده است. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از مدل‌های راهبردی SWOT برای مشخص ساختن راهبرد کانونی و از مدل QSPM برای اولویت‌بندی راهبردها استفاده شده است (دیوید، ۱۳۸۳: ۳۷۹).

## ۲.۲. قلمرو جغرافیایی پژوهش

جامعه آماری پژوهش، شامل ۸ منطقه حاشیه‌نشین شهر بناب است که شهرداری این مناطق را بلوک‌بندی کرده که اکثر در شرق شهر واقع شده‌اند. این مناطق حاشیه‌نشین عبارت‌اند از: محدوده بافت محله بلوک‌آباد، آغداش، محدوده بافت فرسوده شهری محله اکبرآباد، محدوده بافت فرسوده شهری جنوبی (پشت نیروگاه)، محدوده بافت فرسوده شهری محله دیزج شمالی، محدوده بافت فرسوده شهری محله دیزج جنوبی (روبه‌روی سپاه بناب)، محدوده بافت فرسوده شهری محله دیزج جنوبی (کبیرآباد)، محدوده بافت فرسوده شهری محله دیزج جنوبی (پشتایران گاراژ (سیار، ۱۳۸۸: ۲۵)، مناطق مذکور بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ در مجموع دارای ۱۶۵۹۸ خانوار هستند (شکل ۱).



شکل ۱- نقشه مناطق حاشیه‌ای شهر بناب

مأخذ: شهرداری بناب، ۱۳۹۱

با این وجود، آنچه در بحث‌های تکامل نظریه‌ای و نظریه-سازی از سوی محققان مورد تأکید است، داشتن رویکرد میان-رشته‌ای و تلفیقی در حل مسأله است. بر این اساس در این مطالعه تلاش بر این بوده است که با تلفیقی از دیدگاه‌های مربوط به حاشیه‌نشینی در تحلیل مسأله مورد توجه قرار گرفته و بر اساس آن به آینده‌نگری دقیق نسبت به کاهش مشکلات ناشی از حاشیه‌نشینی پرداخته شود، لذا ضرورت انتخاب شیوه برنامه‌ریزی راهبردی به عنوان برنامه‌ریزی آینده‌نگر بیش‌ازپیش مشخص می‌شود.

## ۲. روش‌شناسی تحقیق

### ۱.۲. روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر از نظر هدف کیفی-کمی با روش توصیفی-تحلیلی بر پایه مطالعات اسنادی-کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی و تحلیل داده‌ها با مدل راهبردی SWOT است تا علاوه بر شناخت و توصیف عوامل و اثرات حاشیه‌نشینی، به تحلیل روابط بین عوامل حاشیه‌نشینی نیز پرداخته شود. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از بررسی‌های کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی استفاده شده است. برای انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه در چند سطح، عمل شده است. در مرحله اول برای دستیابی به درک جامع و مبتنی بر واقعیت، مصاحبه با افراد و کارشناسان صاحب‌نظر در سازمان‌ها و بخش‌های گوناگون مرتبط با موضوع تحقیق در شهر بناب صورت گرفته که نتیجه آن استخراج اشتراکات مربوط به ابعاد راهبردی در زمینه نقاط قوت، فرصت، تهدید و ضعف بوده است، سپس در مرحله بعد، متناسب با اشتراکات مرحله قبل، پرسش‌نامه‌هایی برای بیش از ۵۰ نفر از کارشناسان بخش‌های مختلف مرتبط؛ مانند شهرداری ۱۰ نفر، فرمانداری ۴ نفر، سازمان مسکن و شهرسازی ۴ نفر، شورای شهر ۶ نفر، اساتید دانشگاه و سایر صاحب‌نظران ۱۶ نفر متناسب با

## ۳. یافته‌های پژوهش

## ۳.۲. تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای کنترل

## پدیده حاشیه‌نشینی شهر بناب

مجموع عوامل و معیارهای SWOT که در بالا بیان شده، به منظور اولویت‌دهی و وزن‌دهی در پرسش‌نامه مربوط به کارشناسان ارایه شده است. معیار سنجش و درجه‌بندی برای هر یک از عوامل به این صورت بوده است که برای عامل، دامنه طیف لیکرت از گزینه خیلی زیاد تا خیلی کم، درجه‌بندی شده بود، ارایه شده، سپس بر اساس اطلاعات و داده‌های گردآوری‌شده، درجه‌بندی، وزن‌دهی و امتیاز وزنی هر یک از عوامل، تعیین شده است، در نهایت بر اساس امتیاز وزنی کسب‌شده، هر یک از عوامل، نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها اولویت‌بندی شده است. با توجه به جدول فوق از دید کارشناسان، وجود طرح جامع شهرستان و طرح‌های تفصیلی، طرح سامان‌دهی مطلوب محلات حاشیه‌ای، ایجاد اقامت‌گاه شهر و شهرک‌سازی جهت کنترل مهاجرت و سرریز جمعیت شهری، مساعدبودن زمینه‌های اشتغال و فعالیت‌های دادوستد و تجارت و کسب درآمد و پیوستگی نواحی حاشیه شهری به یکدیگر و به هسته شهری و دسترسی آسان به آن‌ها به ترتیب با امتیاز وزنی ۰/۱۳۸، ۰/۱۳۴، ۰/۱۳۴ و ۰/۱۲۹ مهم‌ترین نقاط قوت در زمینه کنترل حاشیه‌نشینی شهر بناب به حساب می‌آیند، همچنین عدم انسجام و همبستگی مسئولین و مدیران شهری در تغییر کاربری‌های اراضی و عدم جلوگیری از این مسأله، عدم برنامه‌ریزی منسجم و عملیاتی کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت شهرداری و شورای شهر، عدم استفاده مناسب از بافت‌های فرسوده شهری، نبود امکانات و خدمات کافی در شهرک‌های موجود و عدم فرهنگ‌سازی جهت استفاده از پتانسیل شهرک‌ها و توسعه بی‌رویه شبکه‌های خدماتی از هسته مرکزی به سمت حاشیه‌ها و در نتیجه افزایش هزینه‌های خدماتی به ترتیب با امتیاز وزنی ۰/۷۱، ۰/۶۷، ۰/۶۶، ۰/۶۵ و ۰/۶۲؛ مهم‌ترین نقاط ضعف در زمینه کنترل پدیده حاشیه‌نشینی شهر بناب از دید کارشناسان محسوب می‌شوند (جدول ۳ و ۴).

همان‌طوری که پیشتر در روش‌شناسی نیز بیان شد، تحلیل SWOT به منظور شناسایی و بررسی عوامل درونی (نقاط قوت و نقاط ضعف) و عوامل تأثیرگذار بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) بر حاشیه‌نشینی شهر بناب مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این راستا ابتدا با سنجش محیط داخلی و محیط خارجی، فهرستی از نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مطرح برای حاشیه‌نشینی بناب تهیه شده، سپس با نظرسنجی از کارشناسان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با موضوع تحقیق، اقدام به وزن‌دهی به هر یک از عوامل شده است، سپس با محاسبه و تحلیل آن‌ها، نخست اولویت‌ها مشخص شده است، سپس با توجه به اولویت‌ها، جهت برطرف کردن یا تقلیل نقاط ضعف و تهدیدها و تقویت نقاط قوت و فرصت‌های موجود در ارتباط با حاشیه‌نشینی شهر بناب، راهکارهای راهبردی ارائه شده است.

## ۳.۱. شناسایی عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر حاشیه‌نشینی

## شهر بناب

هدف از این مرحله، سنجش محیط داخلی شهر بناب، جهت شناسایی نقاط ضعف و قوت است؛ یعنی جنبه‌هایی که در راه دستیابی به هدف کنترل و هدایت حاشیه‌نشینی، می‌توانند نقش مساعد یا بازدارنده ایفا کنند. به این منظور پس از دریافت نظرات کارشناسی، اقدام به استخراج اشتراکات در بین عوامل بیان‌شده در بعد ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها شده است. برآیند آن تشکیل پایه‌های اولیه ماتریس راهبردی بود. در شهر بناب، تعداد ۱۱ نقطه قوت داخلی در برابر ۲۱ نقطه ضعف داخلی و تعداد ۱۰ فرصت خارجی در برابر ۹ تهدید خارجی، مورد شناسایی و بررسی قرار گرفت. به این ترتیب در مجموع تعداد ۲۱ نقطه قوت و فرصت به عنوان مزیت و تعداد ۳۰ نقطه ضعف و تهدید به عنوان محدودیت و تنگناهای پیشروی کنترل پدیده حاشیه‌نشینی شهر بناب قابل شناسایی است.

## جدول ۳- وزن‌دهی و رتبه‌بندی عوامل داخلی کنترل پدیده حاشیه‌نشینی شهر بناب

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

امتیاز وزنی	رتبه	وزن	عوامل داخلی
۰/۱۳۴	۴	۰/۰۳۳	ایجاد اقبال شهر و شهرک‌سازی جهت کنترل مهاجرت و سرریز جمعیت شهری
۰/۱۳۸	۴	۰/۰۳۴	وجود بند سامان‌دهی مطلوب محلات حاشیه‌ای در طرح جامع شهرستان و طرح‌های تفصیلی
۰/۱۱۷	۴	۰/۰۲۹	مشخص بودن زمین‌های دارای قابلیت کاربری مسکونی در سند توسعه شهرستان
۰/۱۰۶	۴	۰/۰۲۷	اطلاع و آگاهی حاشیه‌نشینان از وضع فعلی خود و تلاش جهت بهبود آن
۰/۱۲۹	۴	۰/۰۳۲	پیوستگی نواحی سکونت‌گاهی اطراف شهر بناب (شهرک‌ها، روستاها و غیره) با هسته شهر و دسترسی آسان به آن‌ها به عنوان زمینه‌ساز کاهش حاشیه‌نشینی
۰/۱۰۱	۴	۰/۰۲۵	تأکید بر استفاده ادارات خدمات‌رسانی از شهرداری برای جلوگیری از شکل‌گیری حاشیه‌نشینی
۰/۰۸۲	۳	۰/۰۲۷	تأکید بر مدیریت و کنترل حاشیه‌نشینی در قوانین شهرسازی و شهرداری
۰/۱۱۴	۴	۰/۰۲۸	تطابق محدوده طرح جامع (محدوده شهر) بر محدوده خدماتی شهرداری و تعریف نوار سبز در انتهای این محدوده برای جلوگیری از شکل‌گیری حاشیه‌نشینی
۰/۱۲۶	۴	۰/۰۳۱	اعطای تمهیدات بانکی برای ساخت‌وسازها در شهرک‌ها و برای نوسازی بافت‌های فرسوده برای کاهش حاشیه‌نشینی
۰/۱۲۵	۴	۰/۰۳۱	تأکید بر اجرای ماده ۹۶ قانون شهرداری برای تملک قسمتی یا تمامی محدوده شهر برای استفاده نیازهای عمومی شهرداری و جلوگیری از پیشروی و گسترش حاشیه‌نشینی
۰/۱۳۴	۴	۰/۰۳۳	مساعد بودن زمینه‌های اشتغال در سطح شهرستان به علت وجود کارخانجات و صنایع تولیدی و تبدیلی و بازار پر رونق و وجود باغ‌های فراوان که انگیزه‌ای برای کاهش حاشیه‌نشینی است
۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵	دلالت‌بازی و زمین‌خواری و بالارفتن کاذب و فاحش زمین‌های مسکونی و در نتیجه نبود مسکن ارزان قیمت
۰/۰۳۵	۱	۰/۰۰۵	دخالت دستگاه‌ها و مسئولین غیر اجرایی در کار شهرداری در ارتباط با کنترل حاشیه‌نشینی
۰/۰۵۳	۲	۰/۰۲۶	قیمت پایین زمین‌های اطراف شهر به عنوان محرک حاشیه‌نشینی
۰/۰۲۶	۱	۰/۰۲۹	نبود طرح‌های جامع و کاربردی برای حریم شهر از طرف دستگاه‌های ذی‌نفع شهری
۰/۰۶۱	۲	۰/۰۳۰	ضعف امکانات توسعه در روستاها و در نتیجه مهاجرت روستائیان به شهر
۰/۰۳۳	۱	۰/۰۳۳	ضعف نهادهای نظارتی در ارتباط با کنترل ساخت‌وسازهای غیرمجاز شهری
۰/۰۶۷	۲	۰/۰۳۴	عدم وجود برنامه‌ریزی منسجم و عملیاتی کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت شهرداری و شورای شهر در اقدام برای کنترل حاشیه‌نشینی
۰/۰۲۹	۱	۰/۰۲۹	عدم آشنایی به قوانین و مقررات شهرنشینی از سوی برخی مدیران و شهروندان
۰/۰۷۱	۲	۰/۰۳۵	عدم انسجام و همبستگی در میان مسئولین و مدیران شهری در تغییر کاربری‌های اراضی حاشیه‌نشینی شهری و عدم جلوگیری از این مسأله
۰/۰۳۰	۱	۰/۰۳۰	کمبود نیروی انسانی متخصص کافی برای رسیدگی و کنترل حاشیه‌نشینی در نهادهای متولی
۰/۰۶۲	۲	۰/۰۳۱	توسعه بی‌رویه شبکه‌های خدماتی از هسته مرکزی به سمت حاشیه‌ها به عنوان عامل مشوق حاشیه‌نشینی
۰/۰۳۱	۱	۰/۰۳۱	عدم اجرا یا طولانی‌بودن سیر رسیدگی به پرونده‌های ساخت‌وسازهای غیر مجاز در کمیسیون‌های ماده صد
۰/۰۳۶	۱	۰/۰۳۶	کم‌توجهی مدیریتی به تغییر کاربری اراضی و ازین‌رفتن زمین‌های کشاورزی و ایجاد بافت‌های مسأله‌دار و چشم‌انداز نامطلوب
۰/۰۳۴	۱	۰/۰۳۴	کم‌توجهی به ضعف ساختارهای بهداشتی، انواع بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی در حاشیه شهرها از سوی مسئولان
۰/۰۳۱	۱	۰/۰۳۱	عدم حمایت لازم از سوی دولت جهت کاهش موانع موجود بر سر ثبت‌نام و احداث و واگذاری مسکن مهر به عنوان یک عامل پیشگیری از حاشیه‌نشینی
۰/۰۶۵	۲	۰/۰۳۲	نبود امکانات و خدمات کافی در شهرک‌های موجود و عدم فرهنگ‌سازی جهت استفاده از پتانسیل شهرک‌ها به عنوان عامل کنترلی در گسترش حاشیه‌نشینی
۰/۰۶۶	۲	۰/۰۳۳	عدم استفاده مناسب از بافت‌های فرسوده شهری و نداشتن برنامه منسجم و مداوم در رابطه با آن به عنوان عامل کاهش و حاشیه‌نشینی
۰/۰۶۰	۲	۰/۰۳۰	عدم همکاری حاشیه‌نشینان با شهرداری به جهت پایین‌بودن سطح آگاهی و مشارکت‌طلبی
۰/۰۳۱	۱	۰/۰۳۱	نداشتن تعریف دقیق و روشن از پدیده حاشیه‌نشینی در نظام برنامه‌ریزی
۰/۰۶۱	۲	۰/۰۳۰	وجود تضاد فرهنگی بین حاشیه‌نشینان و ساکنان شهری
۰/۰۳۱	۱	۰/۰۳۲	نداشتن کاداس و ممیزی کامل اراضی و نبود اسناد ثبتی هر ملک
۲/۲۵۴		۱/۰۰۰	مجموع



## جدول ۴- وزن‌دهی و رتبه‌بندی عوامل بیرونی کنترل پدیده حاشیه‌نشینی شهر بناب

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

امتیاز وزنی	رتبه	وزن	عوامل بیرونی
۰/۱۹۹	۴	۰/۰۵۰	توجه ویژه مسؤولان استانی و کشوری به شهر بناب به جهت موقعیت استراتژیک
۰/۲۰۷	۴	۰/۰۵۲	علاقه سرمایه‌گذاران داخلی و بیرونی شهرستان برای سرمایه‌گذاری در نقاط مختلف شهرستان
۰/۲۰۹	۴	۰/۰۴۳	امکان استفاده از نیروی کار ارزان قیمت موجود در جهت تولید کارا در نقاط مختلف شهرستان
۰/۲۱۱	۴	۰/۰۵۳	امکان به‌کارگیری نیروهای متخصص و فنی سایر مناطق کشور در جهت ارائه راهکارهای کنترل حاشیه‌نشینی
۰/۱۴۵	۳	۰/۰۴۸	وجود پتانسیل نهادی اعمال مقررات و نظرات پیشنهادی منطقه‌ای با بهره‌مندی از اختیارات قانونی مسؤولین دخیل در زمینه حاشیه‌نشینی
۰/۱۹۹	۴	۰/۰۵۰	استفاده از طرح مسکن مهر جهت سازمان‌دهی و بازسازی محله‌های حاشیه‌نشین
۰/۱۵۸	۳	۰/۰۵۳	تسهیل در تردد، بین شهرهای مهاجرخیز و مهاجرپذیر جهت جلوگیری از انتخاب سکونت دائم و حاشیه‌نشینی
۰/۲۰۷	۴	۰/۰۵۲	وجود زمینه‌های اشتغال در کارخانجات و صنایع سنگین در اطراف شهر و همچنین در صنایع دستی
۰/۱۹۸	۴	۰/۰۵۰	وجود زمینه فکری مناسب در بین حاشیه‌نشینان جهت کنترل و هدایت این پدیده
۰/۱۵۳	۳	۰/۰۵۱	وجود وابستگی قومی در بین حاشیه‌نشینان
۰/۱۷۴	۴	۰/۰۵۲	وجود انگیزه‌های مثبت در مدیریت کشوری و استانی و شهرستانی برای کنترل حاشیه‌نشینی
۰/۰۵۴	۱	۰/۰۵۴	خشک‌شدن دریاچه ارومیه و در نتیجه تخریب زمین‌های کشاورزی و کاهش فعالیت‌های مربوط به آن به عنوان عامل زمینه‌ساز مهاجرت‌های روستا-شهری
۰/۱۰۸	۲	۰/۰۴۵	تضعیف اقتصاد روستایی و افزایش مهاجرت‌های روستایی به دلیل ضعف در سیاست‌های کلان اقتصاد روستایی
۰/۱۰۵	۲	۰/۰۵۳	وقوع جرایم سازمان‌یافته و ورود اشرار و اراذل شهرهای مجاور به مناطق حاشیه‌نشین شهر بناب
۰/۰۴۲	۱	۰/۰۴۲	مهاجرت افراد غریبومی و عدم اسکان این افراد در اماکن مشخص شهر بناب
۰/۱۰۳	۲	۰/۰۵۲	به‌هم‌خوردن ترکیب جمعیتی شهرهای هم‌جوار به جهت مهاجرت بی‌رویه و گسترش حاشیه‌نشینی در شهر بناب
۰/۰۵۴	۱	۰/۲۵۴	ضعف یا عدم وجود امنیت اجتماعی و شغلی در استان‌های هم‌جوار به‌خصوص آذربایجان غربی و کردستان و نیز شهرهای هم‌جوار
۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	تغییر در سیستم هویت و فرهنگ و مذهب شهری با گسترش حاشیه‌نشینی
۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	ضمانت اجرایی ضعیف شهرداری‌ها به واسطه ضعف در مدیریت مشارکتی بین‌سازمانی
۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	عدم همکاری و نبود رابطه مؤثر با مسؤولان شهرهای مجاور در زمینه کنترل مهاجرت و حاشیه‌نشینی
۲/۶۶۴		۱/۰۰۰	مجموع

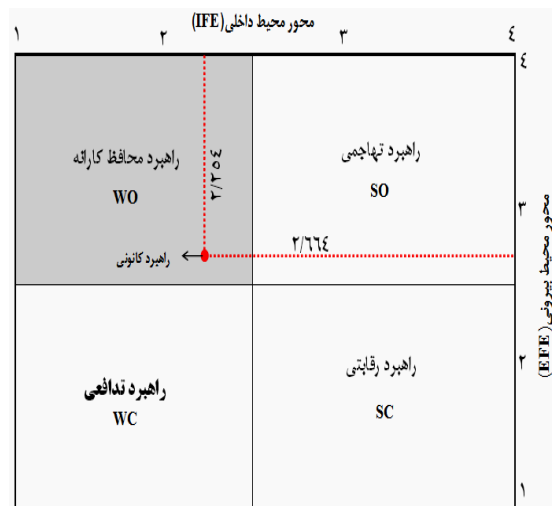
ویژه مسؤولان استانی و کشوری به شهر بناب (دیدارهای مکرر استاندار، شهرداران سایر شهرها در قالب تور و نام‌بردن از بناب به عنوان الگو برای سایر شهرها و کسب جایگاه ویژه در بین سایر شهرهای استان) که از این‌ها می‌توان برای جلب اعتبارات به شهر کمک گرفت. به ترتیب با امتیاز وزنی ۰/۲۱۱، ۰/۲۰۹، ۰/۲۰۷، ۰/۲۰۷ و ۰/۱۹۹ به عنوان مهم‌ترین نقاط فرصت برای کنترل پدیده حاشیه‌نشینی شهر بناب محسوب می‌شوند و همچنین ضعف در سیاست‌های کلان اقتصادی،

بر اساس جدول فوق از دید کارشناسان، به‌کارگیری نیروهای متخصص و فنی در شهرداری، استفاده از نیروی کار ارزان قیمت موجود در جهت تولید کارا، وجود زمینه‌های اشتغال در کارخانجات و صنایع سنگین در اطراف شهر و همچنین در صنایع دستی، تشویق سرمایه‌گذاران شهرستان و شهرستان‌های هم‌جوار برای سرمایه‌گذاری در مناطقی که بیشترین مهاجرت را به این شهرستان دارند، امکان و توجه

راهبردهای جزئی مربوط به راهبرد محافظ کارانه شده است که برآیند آن استخراج ۸ راهبرد برای اقدام جهت کنترل حاشیه-نشینی در شهرستان بناب است، سپس در مرحله حاضر در ارتباط با راهبردهای قابل قبول تصمیم‌گیری می‌شود. جذابیت هر راهبرد با استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی کمی مشخص شده و راهبردهای دارای جذابیت بالا به عنوان راهبردهای مورد تأکید و اولویت‌دار جهت اقدام تعیین شده است. این راهبردها از طریق ماتریس کمی (QSPM) برنامه‌ریزی راهبردی مورد ارزیابی و اولویت‌بندی قرار می‌گیرند تا بسترهای پیاده‌سازی و پیگیری کنترل و کاهش حاشیه‌نشینی در شهر بناب به لحاظ برنامه‌ریزی و مدیریت کاربردی نیز مشخص شود. نتایج ارزیابی راهبردهای تدوین‌شده بر اساس روش QSPM نشان می‌دهد که راهبرد W08 (توجه ویژه مسئولان در ارائه خدمات مناسب به ساکنین مناطق روستایی و ایجاد زمینه‌های شغلی و ارائه خدمات مختلف اقتصادی و ساخت مسکن مناسب برای روستاییان جهت جلوگیری از مهاجرت) با مجموع نمره جذابیت ۴/۰۲۸ دارای بالاترین اولویت بوده و پایین‌ترین اولویت راهبردی نیز متعلق به راهبرد W07 (استفاده از نیروهای تحصیل‌کرده بومی و غیربومی متخصص در زمینه مشخص کردن ممیزی دقیق املاک شهری در مناطق شهری و تهیه کمربند سبز با در نظر داشتن توسعه آتی شهر) با مجموع نمره جذابیت ۱/۰۳۲ است. در نتیجه می‌توان گفت که حل مشکلات مربوط به حاشیه‌نشینی در شهر بناب از نظر کارشناسان و خبرگان محلی ابتدا باید از طریق برنامه-ریزی در مبداهای مهاجرفرست صورت گیرد؛ زیرا نبود برخی فرصت‌ها و زمینه‌های مناسب برای تأمین نیازهای اساسی

وقوع جرایم سازمان‌یافته و ورود اشرار و ارادل شهرهای مجاور به این مناطق و ضعف یا عدم وجود امنیت اجتماعی و شغلی در استان‌های هم‌جوار به‌خصوص آذربایجان غربی و کردستان و نیز شهرهای هم‌جوار، به ترتیب با امتیاز وزنی ۰/۱۰۸، ۰/۱۰۵ و ۰/۱۰۳ به عنوان مهم‌ترین عوامل تهدید مطرح می‌شوند.

پس از محاسبات انجام‌شده از طریق امتیاز وزنی برای عوامل راهبردهای قابل قبول داخلی و خارجی، در این مرحله اقدام به تعیین راهبرد کانونی قابل قبول از میان راهبردهای چهارگانه به‌دست‌آمده از مقایسه دو دویی عوامل شده است؛ زیرا موقعیت حاشیه‌نشینی شهر بناب در ماتریس راهبردها و اولویت‌های اجرایی، تعیین‌کننده راهبردهای قابل قبول برای کنترل پدیده حاشیه‌نشینی شهر بناب است. بر اساس امتیازات به‌دست‌آمده در محیط بیرونی و درونی مشخص شد که در نهایت، راهبردهای قابل قبول در برنامه‌ریزی برای کنترل حاشیه‌نشینی شهر بناب، با توجه به قرارگیری نقطه کانونی، راهبرد محافظه‌کارانه است (شکل ۲).



شکل ۲- ماتریس راهبردها و اولویت‌های اجرایی SWOT

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

بر این اساس در مرحله بعد اقدام به مقایسه دو دویی عوامل مربوط به ضعف‌ها و فرصت‌ها برای مشخص کردن

روستاییان؛ مانند شغل و امکانات و خدمات اولیه زندگی انگیزه مهاجرت به شهر را فراهم می‌سازد (جدول ۵).

### جدول ۵ - اولویت‌بندی راهبردهای اجرایی کنترل حاشیه‌نشینی شهر بناب (ارزیابی QSPM)

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

اولویت	نمره جذابیت	راهبردهای قابل اجرا بر اساس نتایج جداول IFE و EFE و نمودار تجزیه و تحلیل SWOT
۴	۳/۴۲	بازنگری در نحوه تدوین و اجرای قوانین مربوط به زمین شهری در حاشیه شهر به منظور جلوگیری از فعالیت افراد سودجو در زمینه فروش زمین و تغییر کاربری اراضی به مسکونی غیر مجاز
۶	۱/۶۷۳	بازنگری در شیوه‌های همگرایی و همفکری متولیان مدیریت و برنامه‌ریزی شهری مرتبط با پدیده حاشیه‌نشینی
۲	۳/۸۲۵	تقویت زمینه‌های بازنگری در نحوه استفاده از بافت‌های فرسوده شهری به همراه تسهیل احداث مسکن در شهرک‌های اقماری با ارائه خدمات مناسب
۳	۳/۷۰۵	استفاده از حاشیه‌نشینان بانگیزه و دارای روحیه مشارکت‌طلبی برای افزایش آگاهی حاشیه‌نشینان نسبت به عواقب حاشیه‌نشینی در جامعه و توانمندسازی آن‌ها برای خروج از حاشیه‌نشینی
۷	۱/۵۹۲	تلاش مدیریت استانی و شهرستانی در جهت هدایت سرمایه‌های ملی و خصوصی بر اساس پتانسیل‌های مکانی-فضایی و جلوگیری از تمرکز در شهر بناب برای جذب نیروی کار
۵	۲/۲۴۵	اعمال جدید در عدم ارائه خدمات شهری به محله‌های با ساخت‌وسازهای غیرمجاز از سوی متولیان مدیریت شهری
۸	۱/۰۳۲	استفاده از نیروهای تحصیل‌کرده بومی و غیربومی متخصص در زمینه مشخص کردن ممیزی دقیق املاک شهری در مناطق شهری و تهیه کمربند سبز با در نظر داشتن توسعه آبی شهر
۱	۴/۰۲۸	توجه ویژه مسوولان در ارائه خدمات مناسب به ساکنین مناطق روستایی و ایجاد زمینه‌های شغلی و ارائه خدمات مختلف اقتصادی و ساخت مسکن مناسب برای روستاییان جهت جلوگیری از مهاجرت

طی سال‌های اخیر چشم‌گیر بوده است که بخش قابل توجهی از آن معلول مهاجرت‌های روستا-شهری و از سایر استان-های هم‌جوار است. محلات حاشیه شهر بناب فهرست بالایی را تشکیل داده و جمعیت قابل توجهی از شهر نیز در این نواحی سکونت دارند که برای بررسی و تحلیل این مسأله، تلاش بر این بوده که با تلفیقی از دیدگاه‌های مربوط به حاشیه‌نشینی استفاده شود و بر اساس آن به آینده‌نگری دقیق نسبت به کاهش مشکلات ناشی از حاشیه‌نشینی پرداخته شود. نتایج به‌دست‌آمده از نظرات کارشناسی در قالب مدل تحلیل SWOT نشان داده است که با توجه به شرایط حاشیه‌نشینی شهر بناب استفاده از راهبرد محافظه‌کارانه (WO) به عنوان اولویت اصلی تعیین شده، سپس از طریق ماتریس کمی (QSPM) راهبردهای قابل قبول مورد ارزیابی و اولویت‌بندی قرار گرفته و میزان جذابیت هر راهبرد مشخص شده و راهبردهای دارای جذابیت بالا به عنوان راهبردهای مورد تأکید

در مجموع باید گفت دستیابی به اهداف در زمینه پیشگیری از رشد حاشیه‌نشینی در مناطق شهری با تأکید بر شهر بناب، از طریق برنامه‌ریزی در مبدأ مهاجرفرست و مقصد مهاجرپذیر امکان‌پذیر است؛ در واقع این راهبرد وضع موجود است و راهبرد تهاجمی به عنوان چشم‌انداز کنترل حاشیه-نشینی و برقراری تعادل فضایی در منطقه نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت و میان‌مدت می‌باشد که باید برای دستیابی به آن تلاش شود.

#### ۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پس از رشد انفجاری شهرها در ایران که از دهه ۴۰ شروع و تا کنون ادامه یافته است، شهرهای کشور به تناسب موقعیت و پتانسیل‌های توسعه و رخدادهای خاص، رشد سریع را تجربه کرده اند، به همین ترتیب رشد شهری در شهر بناب نیز

و اولویت‌دار جهت تعیین شده است تا بسترهای پیاده-ساز و پیگیری کنترل و کاهش حاشیه‌نشینی در شهر بناب به لحاظ برنامه‌ریزی و مدیریت کاربردی نیز مشخص شود. نتایج ارزیابی راهبردهای تدوین شده بر اساس روش QSPM نشان می‌دهد که راهبرد WO8 (توجه ویژه مسؤولان در رایه خدمات مناسب به ساکنین مناطق روستایی و ایجاد زمینه‌های شغلی و رایه خدمات مختلف اقتصادی و ساخت مسکن مناسب برای روستاییان جهت جلوگیری از مهاجرت) با مجموع نمره جدایت ۴/۰۲۸ دارای بالاترین اولویت است. بر اساس تحلیل نتایج به دست آمده می‌توان گفت که حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی در شهر بناب همانند تمام شهرهای ایران محصول ساختار تمرکزگرای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های نامناسب در سطح کلان ملی و منطقه‌ای است. حل مسأله و مشکل حاشیه‌نشینی در شهر بناب بیش از هر چیز مستلزم تمرکززدایی سرمایه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی از بعضی شهرها و دادن امکانات و تسهیلات به سکونت‌گاه‌های روستایی و مناطق و شهرهای محروم است؛ علاوه بر این می‌توان گفت از آنجاکه حاشیه‌نشینی پاسخ اقشار کم درآمد به بی‌توجهی‌های جامعه به خصوص برنامه‌ریزان است، لذا برنامه‌ریزی‌های اجتماعی-اقتصادی به همراه نظارت و مدیریت صحیح بر توسعه فضای حاشیه‌ای

#### کتاب‌نامه

۱. احمدیان، م. ع. (۱۳۸۲). حاشیه‌نشینی. ریشه‌ها و راه‌حل‌ها، *اندیشه حوزه*، شماره ۴۳ و ۴۴: صص ۲۹۵-۲۷۷.
۲. افتخاری راد، ز؛ اسکندری دو رباطی، ز. (۱۳۸۱). سیاست‌های بانک جهانی در خصوص توانمندسازی. *فصل‌نامه هفت شهر*، شماره ۸. صص ۷۷-۸۱.
۳. آقابخشی، ح. (۱۳۸۲). نظام مشارکت مردم در مناطق حاشیه‌نشین. *مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی*. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. ص ۴.
۴. انصاری، ع. (۱۳۵۵). نظریه انسان حاشیه‌نشین در جامعه‌شناسی. *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۱. دوره دوم. صص ۱۷۹-۱۶۱.
۵. پاپلی یزدی، م. (۱۳۸۲). *نظریه‌های شهر و پیرامون*. تهران: سمت.

۶. پور احمد، ا.؛ رهنمایی، م. ت. و قرخلو، م. و اسکندری نوده، م. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی سیاست‌های دولت در سامان‌دهی اسکان غیررسمی (محللات نایبند، شیرسوم و خواجه عطا، شهر بندرعباس). *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال دوم. شماره ۵. صص ۲۹-۵۴.
۷. تودارو، م. (۱۳۸۲). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*. ترجمه فرجادی، غ. تهران: کوهسار.
۸. حافظ نیا، م. (۱۳۸۰). راهبرد توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران از طریق توسعه نهادهای محلی. *فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی*. شماره ۶۱، ۶۱. ص ۳۹.
۹. حسین زاده دلیر، ک. (۱۳۸۰). *برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*. تهران: سمت.
۱۰. حیدری، ن. و نظریان، ا. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و بازتاب‌های آن، با تأکید بر کاربری خدمات شهری. *فصل‌نامه جغرافیایی سرزمین*. دوره ۸ شماره ۱. صص ۳۱-۴۹.
۱۱. دیوید، ف. (۱۳۸۳). *مدیریت/ستراتژیک*. ترجمه: پارسائیان، ع. و اعرابی، م. چاپ ششم. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۲. زاهدانی، ز. و سید، س. (۱۳۶۹). *حاشیه‌نشینی*. چاپ اول. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
۱۳. زنجانی، ح. (۱۳۷۱). *جمعیت و شهرنشینی*. تهران: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۴. زنگی آبادی، ع. و مبارکی، ا. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن (مطالعه موردی: محللات احمدآباد، کوی بهشتی، خلیل آباد). *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*. سال ۲۳ پیاپی ۴۵. شماره ۱. صص ۸۰-۶۷.
۱۵. ساعی، ا. (۱۳۷۸). *مسائل سیاسی-اقتصادی جهان سوم*. تهران: سمت.
۱۶. سیار، ح. (۱۳۸۸). *طرح مطالعه ظرفیت‌سنجی بافت‌های فرسوده بناب*. شرکت عمران و بهسازی شمال غرب کشور. شهرداری بناب.
۱۷. شریعت زاده، م. (۱۳۸۲). *ساختارهای مورد نیاز جهت مهار و سازمان‌دهی حاشیه‌نشینی در ایران*. مجموعه مقالات *حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی*. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخش. ص ۲۴۵.
۱۸. شکوئی، ح. (۱۳۷۴). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. جلد اول. تهران: سمت.
۱۹. شبیانی، ا. و غلامی، م. (۱۳۹۰). اسکان غیر رسمی، علل، پیامدها و راه‌حل‌ها (شیرآباد زاهدان). مشهد: سومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری. ص ۴.
۲۰. طالشی، م. و امیر فخریان، م. (۱۳۹۰). *نایب‌آبادی سکونت‌گاه‌های روستایی و آینده حاشیه‌نشینی در خراسان رضوی*. *فصل‌نامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران*. دوره جدید. سال نهم. شماره ۲۹. صص ۸۳-۱۰۷.
۲۱. قرخلو، م. و میره، م. (۱۳۸۶). توانمندسازی اجتماعی، راه حلی برای حاشیه‌نشینی (شیخ‌آباد قم). *فصل‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*. سال دوم. شماره سوم. صص ۱۱۱-۱۲۶.
۲۲. لطفی، ح.؛ میرزایی، م. و عدالتخواه، ف. و وزیرپور، ش. (۱۳۸۹). بحران حاشیه‌نشینی و سکونت‌گاه‌های غیررسمی در مدیریت کلان-شهرها و رهیافت‌های جهانی. *فصل‌نامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی*. سال دوم. شماره دوم. صص ۱۳۵-۱۴۵.
۲۳. محسنی، ر. ع. (۱۳۸۹). مسأله حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی با تأکید بر توانمندسازی آن (مطالعه موردی: حاشیه‌نشینان شهر گرگان). *فصل‌نامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی*. سال دوم. شماره چهارم. صص ۱۵۲-۱۳۳.
۲۴. محمدی، ع.؛ روستا، م. (۱۳۸۷). *توسعه اجتماع-محور: سازوکاری برای سامان‌دهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی*. نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر. شماره ۲۳، ۲۴. صص ۸۸-۱۰۵.
۲۵. مهندسین مشاور DHV هلند. (۱۳۷۱). *رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی*. ترجمه میر، ج.؛ اوکتابی، ن. و گنجیان، م. تهران: نشر مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی.

۲۶. هاگت، پ. (۱۳۷۶). *جغرافیا ترکیبی نو*. ترجمه: گودرزی نژاد، ش. تهران: سمت.
۲۷. یزدانی بروجنی، ف. (۱۳۸۲). *بررسی خصوصیات ساختاری حاشیه نشینی در تهران*. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.
28. Akter, T. (2010). Migration and living conditions in urban slums: implication for food security. *The World Bank and Conditionality. School of Advanced International Studies, John Hopkins University, USA*, the *Georgetown Public Policy Review*, 7(1), 27-42.
29. Amaldam, S. (2011). *Housing; Housing in third world*; Annual Report of World Bank. P 4.
30. Armiah, B. C. (2012). *Slums as expressions of social exclusion: explaining the prevalence of slums in African countries. United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT). Nairobi. Kenya*. Pp 19-20. Retrived from <http://www.oecd.org/dev/pgd/46837274.pdf>.
31. Bican, B. (2009). Urban poverty and planning in Asia. *World Bank Analytical Urban Geography*. P. 74.
32. Claude Bolay, J. (2010). Slums and urban development: Questions on society and globalization. *The European Journal of Development Research*, 18(2), 284-298.
33. Dwyer, D. C. (1970). *City in the third world*. London: Macmillan.
34. Lemma, T., Richard, S., & Monika, K. (2008). *A participatory approach to monitoring slum condition*. Tanzania: ICT Publication Series. Pp. 65-66.
35. Zedner, L. (2007). *Democracy, society and the government of security*. *Theoretical Criminology, Book Review*, Vol. 11. No. 1. pp. 137-140.